

سلسلہ دروس خارج

# اصول فقہ

مبحث وضع

(اقام وضع)

جلسہ :

۹۹

تاریخ :

۹. / ۲ / ۲۴

وضع خاص  
موضوع له عام

امکان ندارد

؟

وضع عام  
موضوع له خاص

امکان ندارد

؟

وضع عام  
موضوع له عام

امکان دارد

بحث امروز

وضع خاص  
موضوع له خاص

امکان دارد

اعلام  
شخصیه

«امکان اقسام اربعه»

«وقوع اقسام اربعه»

در وضع اعلام شخصیه، موضوع له وجودات خارجی هستند

در طبایع کلیه هم موضوع له، «وجود خارجی گندم» است

ظاهرا مراد ایشان آن است که :

وضع عام (کلی حنطه) و موضوع له خاص (یعنی کلّ حنطه) است

نحوه وضع به صورت قضیه حقیقیه است

یعنی : واضع لفظ را روی وجودات خارجی قرار می دهد ولی چون همه آنها

قابل تصویر نیستند، با عنوان مشیر «کل حنطه» اشاره می کند

این همان حرفی است که از امام درباره «وضع عام : موضوع له خاص» به آن

اشاره کردند

کلام

تسدید الاصول

پیرامون وضع

اسماء اجناس

## ما می گوئیم :

اگر موضوع له حنطه، «حنطه موجود» باشد :

**اشکالات حضرت امام وارد می شود که:**

۱. **تناقض در «حنطه معدوم»**

۲. **ضروریه شدن در «حنطه موجود»**

اولا

ما می گوئیم :

ایشان در بحث مطلق درباره اسم جنس بالصرحة قبول دارند که :  
موضوع له اسماء اجناس، «مفهوم کلی» است.

ثانیاً

## ما می گوئیم :

ایشان می نویسند : «ما هو حنطة بالحمل الشائع»

این جمله با منبای خودشان در **تناقض** است

چرا که اگر حنطه یعنی موجود خارجی، در این صورت موجود خارجی به **حمل**

**اولی** حنطه است (نه به حمل شایع)

و حمل شایع در صورتی است که مفهوم کلی (انسان) داشته باشیم و مصداق

(زید)

ثالثاً

وضع در این اسم، به نحو «وضع عام؛ موضوع له عام» است

قضیه «الله تعالی موجود»، قضیه ضروریه است  
چراکه «الله» یعنی «واجب الوجود»  
و «واجب الوجود، موجود» قضیه ضروریه است

اگر موضوع له، مصداق خارجی باشد:  
باید برای اینکه ثابت کنیم «الله موجود» ضروریه است، دلیل اقامه می‌کردیم.

کلام

شهید خمینی

پیرامون وضع لفظ

«الله»

## نکته ای پیرامون معنای «ضروریه» :

به معنای «ضروریه بشرط محمول» است.

تعریف قضیه بشرط محمول : قضیه ای که محمول در موضوع أخذ شده باشد.

طبق این تعریف، «الله موجود» ضروریه است:

- اگر الله یعنی «وجود خارجی» = «الموجود الخارجی موجود» = قضیه ضروریه

- اگر الله یعنی «واجب الوجود» = «واجب الوجود موجود» = قضیه ضروریه

معنای  
اول

به معنای این است که «خداوند وجودش متعلق به خود است و دیگری به او افاضه نمی کند» است.

- اگر گفتیم : «واجب الوجود موجود» = معلوم می شود، وجود متعلق به خود اوست.

- اگر گفتیم : «الله الموجود، موجود» = این مطلب، معلوم نمی شود.

معنای  
دوم



## ما می‌گوییم :

واجب الوجود، اگر به معنای «مفهوم واجب الوجود» است :  
باید بگوییم که : «مفهوم واجب الوجود، موجود است در خارج» حتی ضرورت  
به شرط محمول هم نیست  
بلکه باید ثابت کرد که : این مفهوم در خارج دارای مصداق است.



پایان